## رنج‌های تکراری؛ افزایش تعداد دانش‌آموزان معتاد

**ادامه از یادداشت روز صفحه یک**

... مبادا پژمرده شوند در دوستی با «گل»؛ گر چه باید اعتراف کرد بچه‌های این عصر، متخصص پیچاندن اولیای معصوم هستند. تبصره؛ من و ما نمی‌دانیم از جمع دانش‌آموزان مصرف‌کننده مضرات، چند درصدشان پدر یا مادرشان یا هردوی آنان در چرت و خماری افیونی هستند یا چه تعداد از دانش‌آموزان به‌خاطر تلخ‌کامی از جدایی پدر و مادرشان، اسیر اعتیاد شده‌اند.

خوش‌بینانه از اولیا می‌خواهیم حواسشان به آمد و رفت و گفت بچه‌ها باشد؛ چون در به کج‌راهه رفتن بچه‌ها، پدران و مادران بیشترین خطاکاران هستند و پس از آن، نظام آموزشی و زیست اجتماعی و عمومی ما نقش بنیادی دارند. نگاه کنید به سهل و آسان خرید مواد مخدر نسبت به نان و پنیر که چه آسان، آشفته‌حال‌ها و گم‌کرده‌راه‌ها، آن را در آغوش می‌گیرند.

حضور ۲/۵ میلیون معتاد رسمی یا ۴/۵ میلیون معتاد غیررسمی در جامعه، خبر از سقوط آزاد جسم و جان و تحلیل و تباهی سرمایه‌های اجتماعی می‌دهد که مهلک‌تر از کووید۱۹ است. باور کنید.

نکته اول: فضای مجازی، سهمی جدی در گرایش نوجوانان به مصرف بنگ، ماری‌جوآنا و گل دارد.

نکته دوم: مسئولان می‌گویند نرخ شیوع اعتیاد در بین جمعیت دانش‌آموزی جهان، ۲۰ درصد اما در ایران ۲/۱ درصد است، بنابراین باید خوشحال باشیم که بچه‌های ما بیشتر بیدارند تا خواب، پس الهی شکر!

کاش دعاهای دردمندانه من مستجاب شود تا بچه‌های ماجراجوی کوچه ما و کوچه‌های بالادستی و پایین دستی، دنبال مضرات نروند!

کاش مسئولان محترم بیشتر به فکر کاروبار و واکسن کرونای بزرگ‌ترها باشند تا آنان از توجه بیشتر به بچه‌هایشان، بازنمانند!

**تاریخ‌نگار**

۰۸ دی ۱۲۸۵

## تأیید نخستین قانون اساسی ایران از سوی مظفرالدین‌شاه

رضا سلیمان نوری



*تلاش‌های مشروطه‌طلبان عصر مظفری سرانجام در ۸دی۱۲۸۵ خورشیدی ثمر داد و شاه همیشه‌بیمار قاجار، مهر و امضای خود را پای متنی قرار داد که مجلس شورای ملی به‌عنوان نخستین قانون اساسی ایران معاصر تهیه کرده بود. البته پنجمین شاه قاجار، اجرایی شدن این قانون را که نظام سلطنتی ایران را به‌صورت رسمی از پادشاهی مطلقه به نظام مشروطه سلطنتی تبدیل کرد، به چشم ندید و ۱۰ روز بعد از امضا کردن این متن درگذشت اما همین امضای شاه در آستانه مرگ هم کافی بود تا اهل مشروطه، شرایط را به نفع خود سامان دهند. حرکتی که البته ششمین شاه قاجار یعنی محمدعلی‌شاه نیز تا زمانی که پایه‌های سلطنتش را مستحکم نکرده بود، نه‌تنها با آن همکاری کرد، بلکه به‌ظاهر در راه رشد و اعتلای آن کوشید و حتی در ۱۴ مهرسال بعد، متمم این قانون اساسی را امضا کرد و رسمیت بخشید. البته ماجرای نوشتن نخستین قانون اساسی ایران زمین که نام آن به هنگام ارائه به شاه و تایید وی و حتی به هنگام بحث و بررسی در مجلس نخست شورای ملی، نظام‌نامه سیاسی بود نه قانون اساسی مشروطه، به همین سادگی برگزاری یک جلسه و نوشتن یک متن و امضای شاه و اجرایش نبود. در اواخر دوران مظفرالدین‌شاه، به‌دنبال ماجراهای پیش آمده در تهران و مواجهه علما با آن ماجراها که تا مهاجرت آنان به قم هم ادامه پیدا کرد و واکنش‌های مردم در نقاط مختلف کشور به این امر، شاه همیشه‌بیمار و البته وحشت‌زده قاجار، دولت وقت را مامور برگزاری انتخابات و تشکیل نخستین مجلس شورای ملی کرد. در پی این اتفاقات و تشکیل مجلس شورای ملی، این جمع به‌همراه دولت، قانونی را تدوین کردند که شامل ۵۱ ماده بود و بیشتر به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا مربوط می‌شد و به همین دلیل در آغاز به «نظام‌نامه» نیز مشهور شد. این قانون که پیش‌تر قطعیم در ۸دی۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین‌شاه رسید، درواقع نتیجه خواست مردمی بود که از فشار استبداد به تنگ آمده بودند و به همین دلیل، خواستار مشخص شدن حوزه عملکرد قدرت بودند. با تاسیس چنین قانونی در کشور که مبنای آن قانون اساسی فرانسه بود، تفکیک قوا به تصریح مورد لحاظ قرار گرفته بود، با این حال چون نظام‌نامه بعد از موفقیت مشروطه‌خواهان در گرفتن فرمان مشروطه و با عجله تهیه شده بود، در متن آن ذکری از حقوق ملت و سایر ترتیب‌های مربوط به رابطه اختیارهای حکومت و حقوق ملت نبود. این چنین بود که مدتی بعد، متنی با عنوان متمم قانون اساسی تهیه شد، از تصویب مجلس گذشت و محمدعلی‌شاه نیز آن را در ۱۴ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی امضا کرد و رسمیت بخشید. البته پس از آن نیز در چند نوبت با تشکیل مجلس موسسان، برخی مواد این قانون تغییر کرد. نظام‌نامه و متمم آن به انضمام تغییراتی که بعدها در آن صورت گرفت، همان قانونی بود که تا سال ۱۳۵۷ که حکومت مشروطه در ایران از میان رفت، به «قانون اساسی مشروطه ایران» مشهور بود.*

**کیوسک**

### صفحه نخست «لوپاریزین»




پس از اعلام خبرهایی درباره انتشار گونه جهش‌یافته کووید۱۹ در فرانسه، روز گذشته «لوپاریزین» مانند دیگر رسانه‌های این کشور برای کاهش نگرانی‌ها، از تیتر امیدبخش «واکسنی که جان [افراد] را نجات می‌دهد» در صفحه نخست خود استفاده کرد و از آغاز واکسیناسیون در فرانسه خبر داد. بنا بر آنچه این روزنامه فرانسوی نوشته است، گویا تزریق اولین دوزهای واکسن کووید۱۹ از دیروز آغاز شده است.

### صفحه نخست «واشنگتن‌پست»

موج اخیر همه‌گیری کرونا در جهان، نگرانی‌های زیادی برای کشورها به بار آورده است. کمبود کادر و مراکز درمانی هم در این میان سبب شده است برخی کشورها مانند آمریکا به مراکز موقت درمانی رو آورند. در همین راستا، واشنگتن‌پست روز گذشته از ساخت یک بیمارستان صحرایی برای بدترین شرایط همه‌گیری خبر داد و نوشت: «با ادامه گسترش کنترل‌نشده ویروس کرونا در سراسر کشور، ایالت‌ها به مراکز موقت پزشکی، متوسل می‌شوند.»




حدیث روز

**حوایج خویش را با عزت نفس بجویید.**

حضرت محمد(ص)

رطوبت هوا ۶۰٪ | ۶° ↑ -۴° ↓

صبح ۰° | ظهر ۴°

عصر ۰° | شب -۲°

اذان ظهر ۱۱:۳۴ | نیمه شب شرعی ۲۲:۴۸

غروب آفتاب ۱۶:۲۴ | اذان صبح فردا ۵:۱۱

اذان مغرب ۱۶:۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۶:۴۳

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۰۸ ۱۰ ۹۹

۲شنبه

۳۲ صفحه: ۸ صفحه + ۴ صفحه + ۱۶ صفحه شهرآرا محله + ۴ صفحه شهربانو + ۴ صفحه ورزشی

شماره ۳۲۸۶ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir




روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی

نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱

دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱

نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰

روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

چاپ: شهر چاپ خراسان


**کارتون شهر**




محمدرضا میرشاه‌ولد

**افزایش قیمت ۶۵ تا ۱۱۵ درصدی لاستیک در مشهد**

## سوروسات جشنواره فجر بدون «شیشلیک»؟

درباره اثر جدید محمدحسین مهدویان و حاشیه‌هایی که پدید آورده‌است


محبوبه عظیم‌زاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir


**روایت روز**



جشنواره فیلم فجر پیش‌رو، هنوز به روزهای برگزاری‌اش نرسیده، حواشی زیادی به‌دنبال داشته است؛ حاشیه‌هایی که مرتبط با نحوه و چگونگی برپایی آن است و شرایطی که کرونا حاکم کرده است. درنهایت بعد از خبرهای کمی تا قسمتی ضدونقیض در روزها و ماه گذشته مبنی‌بر اینکه بالاخره جشنواره‌ای در کار هست یا نه، مشخص شد که جشنواره هیچ نمایشی نخواهد داشت و داوران در بخش‌های مختلف، فیلم‌ها را خواهند دید و آن‌گونه که سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، دبیر جشنواره فجر سی‌ونهم، اعلام کرد، حداکثر ۵۰ فیلم متقاضی برای بخش سودای سیمرغ حضور خواهند داشت که البته آمار دقیق آن بعد از تقاضای آثار اعلام می‌شود. حالا در روزهایی که هنوز تا بهمن و آغاز جشنواره باقی است، فیلم «شیشلیک» اثر محمدحسین مهدویان که تیرماه کلید خورد و به‌تازگی آماده نمایش شده، سروصداهای جدیدی را برپا کرده است. فیلمی که باوجود انتظارات زیاد برای حضور در جشنواره سی‌ونهم، هنوز فرم شرکت در جشنواره را پر نکرده است و انتظاراتی که به گفته میلاد نجفی، خبرنگار حوزه سینما، ظاهرا به‌دلیل برداشت‌های سیاسی از محتوای فیلم بوده است: «شیشلیک برای حضور در جشنواره فجر با مشکل روبه‌رو شده و مدیران جشنواره هم باتوجه‌به حواشی احتمالی، تمایلی برای پیگیری وضعیت فیلم ندارند.»

**مهدویان عقب‌گرد کرده است، یعنی چه؟**

پیش از این هم همه‌هایی علیه شیشلیک و مهدویان به راه افتاده بود. حرف‌وحدیث‌هایی که محتوایشان، انتقاد به قدم گذاشتن او در یک دنیای متفاوت در عرصه فیلم‌سازی بود. رسانه‌های اصولگرا از این گفتند که مهدویان از گذشته‌اش جدا شده و محصولی را ساخته است که با اهداف گذشته‌اش در تعارض است. صحبت‌هایی که خلاف آن هم به گوش رسید. فریدون جیرانی، کارگردان سینما، از موضع دفاع از این فیلم برآمد و گفت: «شیشلیک یک کمدی اجتماعی است. فیلم‌نامه بسیار خوبی دارد که آقای ژوله نوشته است و جزو فیلم‌نامه‌های قشنگ کمدی امسال است.»؛ صحبت‌هایی که البته چندان پیش‌بینی‌ناپذیر یا عجیب‌وغریب نبود. کارگردانی که نامش با فیلم‌هایی مثل ایستاده در غبار، ماجرای نیمروز ۱ و ۲، لاتاری و درخت گردو گره خورده است، حضورش در قامت فیلم‌سازی که قصد کرده است یک کار کمدی اجتماعی را به معرض نمایش بگذارد، اگر حرف‌وحدیث به‌دنبال نداشته باشد، عجیب است.

**سینما، فراتر از این حرف‌هاست**

این واکنش‌های مختلف، از جانب مردم هم وجود داشت. کاربران زیادی در فضای مجازی از اینکه قرار است کار متفاوتی را از مهدویان ببینند، ابراز خوشحالی کرده بودند و عده‌ای هم کاملا برعکس. کاربری نوشته بود: «آقای مهدویان! خیلی از ما به عشق فیلمای شما میایم جشنواره فجر و سینما. خواهش می‌کنم شما فیلماتون نره سمت سینمای گیشه و کمدی.» و کاربر دیگری گفته بود: «ما ماجرای نیمروز ۳ رو می‌خوایم ازت.» دیگری نوشته بود: «مهم نگاه فیلم‌سازه. مهدویان ثابت کرده فیلماش حداقل‌ها رو برای اینکه یه فیلم خوب به مخاطب بده، رعایت می‌کنه. حالا تفاوتی نمی‌کنه تو چه سبک و ژانری باشه.»؛ نکته‌ای که شاید اشاره‌ای باشد به صحبت‌های خود مهدویان در نشست فیلم درخت گردو وقتی به‌دنبال حاشیه‌هایی که برای فیلمش به وجود آمد، گفت ما فیلم‌سازان هر فیلمی بسازیم، متهم می‌شویم و «سینما، فراتر از این حرف‌هاست.» در این میان افرادی هم بودند که طوری دیگر به ماجرا نگاه کردند و نوشتند: «هنوز نفهمیدین واسه فروش بیشتر فیلم، حاشیه‌هاشو بیشتر می‌کنن؟» عده‌ای هم به نبود پایه ثابت فیلم‌های مهدویان، یعنی هادی حجازی‌فر، اشاره کردند و نوشتند: «هادی حجازی‌فر نیست که؟!» بازیگری که در نبود او، رضا عطاران، پژمان جمشیدی، جمشید هاشم‌پور و ژاله صامتی به‌همراه جمعی دیگر از بازیگران، قرار است بار این فیلم را به دوش بکشند.

## «دریابندری» در بند نام!

اشتباه چندباره در نوشتن و تلفظ نام نجف دریابندری، صدای هوادارانش را در فضای مجازی درآورد


محمدناصر حق‌خواه


**سوژه روز**

در مدت سال اخیر، درکنار خیلی از موضوعات نه‌چندان مهم و غیرتأثیرگذار که به‌یک‌باره به دغدغه اول مسئولان و رسانه‌ها و پیامد آن، مردم تبدیل می‌شود، نام‌گذاری خیابان‌های شهرهای مختلف به نام افراد مختلف هم، جنبه‌ای گاه سیاسی و گاه جناحی پیدا کرده است یا اشتباه در املای تابلوها، آن را به سوژه خنده و تمسخر کاربران مجازی تبدیل کرده است. از تغییر نام خیابان نفت به دکتر محمد مصدق در تهران تا نام‌گذاری خیابانی به نام استاد محمدرضا شجریان و حاشیه‌های عجیب‌وغریب بعدش، فقط چند تا از اتفاقاتی است که در یک سال اخیر، خبرساز شده است. اما آخرین نمونه مشابه، اشتباه دوباره در نوشتن نام مرحوم «نجف دریابندری»، نویسنده و مترجم فقید ایرانی، است، آن هم در تابلویی که چند ماه پیش به یاد آقای دریابندری در شهر بوشهر قرار داده شده بود و نام او را به اشتباه «نجف دریابندی» نوشته بودند و املای انگلیسی نام او هم غلط نوشته شده بود. حالا و پس از چند ماه از مرگ مرحوم دریابندری، این تابلو را که در فضای مجازی خبرساز شده بود، دوباره عوض کرده‌اند و این بار فرزند مرحوم دریابندری در اینستاگرام خود نوشته است: «در ادامه ماجرای خیابان نجف دریابندری و خیابان‌های دیگر، ظاهرا اهالی شهرداری بوشهر به این نتیجه رسیدند که تابلو را عوض بکنند، بهتر است. خب، دستشان درد نکند. واقعا شرمنده کردید! شرمنده هم هستم که بگویم هنوز هم در تابلوی جدید، انگلیسی قضیه ایراد دارد. حالا استاد نجف چه اصراری داشت آخر اسمش را با «آی» بنویسد، خدا داند! اما به‌هرحال با «آی» نوشت. ما هم با «آی» نوشتیم. در گذرنامه و شناسنامه و هر بساطی که بود، با «آی» و وسطش را با «وای» و سرهم. یعنی نگفتیم دریا از بندر جداست. جدا نیست. دریا و بندر با هم است. پس این بار دقت بفرمایید، خواهش می‌کنم: دریابندری وسطش «وای»، آخرش «آی»، برعکس همیشه. فکر هم نکنید کسی متوجه نمی‌شود. ولش نکنید به امان خدا. کسانی می‌فهمند. پیش خودشان به ریشمان می‌خندند. ناسلامتی طرف انگلیسی‌دان بوده، یعنی لابدیک چیزی می‌دانسته که با «آی» نوشته. دستتان درد نکند، خدا عوضتان بدهد! این را هم عوض بکنید تا دیر نشده.»

سهراب دریابندری در ضمیمه پستش، عکس گذرنامه پدرش را قرار داده است تا تاییدی بر درستی حرفش باشد.

**اشتباه فنی یا مشکل محتوایی؟**

شاید خیلی‌ها برای مهم جلوه ندادن این نوع اشتباهات، آن را غلطی اتفاقی و نگارشی بدانند، اما وقتی یکی از نویسندگان مهم و شاید بهترین مترجم معاصر ایرانی، سهمی در کتاب‌های ادبیات فارسی ایران ندارد و نام او در رسانه‌های رسمی هم به گوش مردم نرسیده است، اینکه نام او را روی تابلو اشتباه بنویسند یا مجری تلویزیون پس از مرگ او نتواند نام کامل وی را بگوید، دیگر اشتباه نگارشی و تپق حساب نمی‌شود، بلکه از کم‌اطلاعی و کم‌دانی است. نظرات مردمی درباره این اشتباه هم در نوع خود جالب بود. کاربری در این‌باره نوشته بود: «حتی حاضر به نوشتن درست نام نویسندگان هم نیستند.» و دیگری در جواب گفته بود: «از تنگ‌نظری نیست؛ سوادمون همین قده. خخخخ» این کاربر که خود واژه تنگ‌نظری را اشتباه نوشته بود، چنین پاسخ طنزی از کاربر دیگری گرفت: «طنگ‌نظری سهیه اسط».

فرد دیگری با ردیف کردن اشتباهات مشابه نوشته است: «این‌ها که چیزی نیست. خیابان کنار سفارت انگلستان را اسمش را گذاشته‌اند بابی ساندز (فردی ایرلندی که با انگلیس برای استقلال می جنگید) اما اسم طرف را به انگلیسی کاملا غلط نوشته‌اند و سال‌هاست کسی آن را اصلاح نکرده. نمونه دیگر خیابان کوالالامپور در اصفهان است که توریست‌های مالزیایی با آن عکس می‌گیرند و به‌عنوان جوک منتشر می‌کنند غلط املایی آن را.»

به‌هرحال به نظر می‌رسد تمام این گونه غلط‌ها را نمی‌توان اتفاقی دانست. شاید ۲۰ سال بعد هم کسی مولانا را نشناسد، زیرا براساس خبری که همین امروز منتشر شد، نام مولانا از کتاب پایه نهم حذف شده است و به‌جای آن نوشته‌اند شاعری!

**نگاه هشتم**

## درس حضرت زهرا(س) برای این روزهای کرونایی

غلامرضا بنی اسدی

فاطمه(سلام‌ا... علیها) یک نام نیست برای یک شخص، حتی اگر به عظمت دختر پیامبر(ص) باشد. اشخاص می‌میرند، چنان که رسول اعظم الهی هم از این امر مستثنا نیست. صاحب‌نامان همه می‌میرانند اما آنانی جاودانه می‌مانند که مسیر مانایی را پیموده باشند و از شخص به شخصیت و به مکتب تبدیل شده باشند. فاطمه(س)، یک مکتب بود؛ به این معنا که تعریفی کامل بود از انسان با جهان‌بینی الهی. تامل در سلوک حضرت، این دستاورد را دارد که با بایدها و نبایدهای انسانی مواجه می‌شویم. هم نیازمان را به جهان‌بینی برطرف می‌کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونه زیستن ارائه می‌دهد. درواقع شیوه زیست فاطمی، مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی را برای ما عینیت می‌بخشد. در سپهر این جهان‌بینی است که شاهد شکوه زندگی مومنانه‌ایم. ایشان در خانه و در رابطه با خانواده به نظام‌سازی می‌پردازند که می‌تواند محیط زیست اجتماعی را هم به اهل خانه چیزی برای خوردن ندارند، این درس را می‌دهد که باید دیگران را بر خویش ترجیح داد. این اصل فقط در نظام اجتماعی اسلام نیست که در نظام تولید و برداشت هم همین است. مومن باید بسیار وقت بگذارد و تلاش کند و کم بردارد تا رهاورد تولیدش به فقرزدایی از جامعه بینجامد. دیگر نکته این ماجرا هم اینکه ما دربرابر هم، مسئولیم و نمی‌توان نانی در سفره داشت و گرسنه را اجابت نکرد. بالاتر از این بخشش، باید به قاعده مواسات رفتار کرد و هم دست گرفت و هم دلگرمی داد. این روزها که کرونا توان مردم را تراش داده است، به این فرهنگ فاطمی بسیار محتاجیم.

**زین قندپارسی**

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

**رییس جمهور کشورمان امروز به اصفهان سفر میکند.**

ویراسته ✓

**رئیس جمهور امروز به اصفهان سفر می‌کند.**

نکته

*«کشورمان» اضافه و حشو است.*

*نگارش «رئیس» درست است.*

*فاصله و نیم‌فاصله هم رعایت نشده است.*

#زین_قند_پارسی





مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید